

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

سال سوم - زمستان ۱۴۰۲ - شماره پانزدهم - ص ۹۰-۱۰۷

رویکردهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برای اعتماد مردم به دولت

مرضیه علیزاده کافشانی^۱

چکیده

جامعه متشکل از مجموعه‌ی افراد است، که در طول تاریخ حتی در جوامع ابتدایی برای ادامه زندگی در کنار یکدیگر ناگزیر از تشکیل حکومت بوده‌اند. وجود مؤلفه‌ای به نام اعتماد موجب قوام‌بخشی به حکومتها و پیوند مستحکم بین آنها است. مطالعه سیر تطور تاریخی نشان می‌دهد که عدم اعتماد مردم نسبت به سازمان‌های دولتی در گذر زمان به برچیده شدن بسیاری از نظام‌های حکومتی منجر شده است. این پژوهش با تدبر در آیات قرآن و نهج‌البلاغه، به روش تحلیلی، توصیفی به دنبال راهکارهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی برای اعتماد مردم به دولت است؛ شایستگی رفتاری، وحدت‌بخشی، تواضع، خشوع، داشتن حافظه قوی، دعا برای موفقیت، قدردانی و تشکر، نشست با علما، اجرای عدالت اجتماعی، رسیدگی به وضع تُجَّار، پرهیز از رانت‌خواری، داشتن پشتکار و دوری از تنبلی و قاطعیت؛ از جمله راهکارهای موجود است. ضرورت این طرح ایجاد اعتماد عمومی است که موجب افزایش وحدت، حفظ یکپارچگی و روابط اجتماعی در سیستم‌های نظامی می‌شود و این رویکردی است برای حکومت‌ها تا از گرفتار شدن در انحطاط جامعه نجات یابند.

کلیدواژه‌ها: اعتماد عمومی، اعتماد مردمی، پرهیز از رانت خواری، ویژه خواری، اقتصاد مردمی.

۱. سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته تفسیر و علوم قرآنی، از جامعه الزهرا (س) قم، مُدرِّس دروس حوزوی در مدرسه علمیه جامعه النور، مدرسه علمیه رکن الملک، مدرسه علمیه ریحانه، مدرسه علمیه فاطمه معصومه (س)، اصفهان، استان اصفهان، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی، نویسنده مسؤل،

مقدمه

تردیدی نیست که بقای صلح، ثبات، آرامش و رعایت حقوق انسانها در برابر یکدیگر، به حکومت و نظام سیاسی اجتماعی کامل، بستگی دارد؛ زیرا بدون وجود حکومت، هرج و مرج، جامعه را فرا می‌گیرد و هیچ انسان عاقلی را نمی‌توان یافت که حکومت و نظام سیاسی را یکی از ضروری‌ترین مسائل اجتماعی نشناسد، اما دیده می‌شود امروزه بسیاری از مردم دنیا به حکومت‌ها اعتماد ندارند؛ چرا که به اعتقاد آن‌ها حکومت‌ها خوب عمل نمی‌کنند. افشار مختلف جامعه را نمی‌شناسند در کار خود ترس و واهمه به غیر از خدا دارند. مسأله این مقاله چنین است که رویکردهای اعتماد مردم به دولت چه می‌باشد؟ آیا رویکردهای فرهنگی، اقتصادی سیاسی باعث ایجاد اعتماد بین مردم و حکومت می‌شود؟ به نظر می‌رسد که می‌توان راهکارهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی برای اعتماد مردم به دولت، با استناد به آیات قرآن و نهج‌البلاغه به دست آورد؛ زیرا که اهمیت این موضوع به خوبی روشن است که بین حاکم و مردم نوعی رابطه متقابل حاکم است و هر یک در مقابل حقوق دیگری وظایفی را به عهده دارد، که باید انجام دهد بخصوص مردم بر دولت، که اگر این امر محقق نشود اعتماد مردم سلب شده منجر به فروپاشی حکومت خواهد شد. قرآن مجید خود نمونه کامل قوانین و دستورات عملی برای برقراری حکومت و تداوم آن است. به دنبال آن، نهج‌البلاغه می‌تواند راه گشای اعمال مدیریت دینی و ارزش محور در سازمان‌های گوناگون باشد.

از جمله کتابهایی که در این زمینه به رشته تحریر درآمده می‌توان به کتاب (عوامل سقوط حکومتها در قرآن و نهج‌البلاغه)، نویسنده نصرت‌الله جمالی اشاره کرد، در این کتاب عواملی چون: استبداد رای، دنیاگرایی سران امت، عبرت نگرفتن از انقراض امت‌های پیشین و... موجب سقوط حکومتها شمرده شده است، اما نگاه نویسنده تنها به نهج‌البلاغه معطوف شده و از آیات قرآنی بهره‌گیری نکرده اند.

تالیف دیگر مقاله ی (راهکارهای ارتقای اعتماد عمومی به سازمانهای دولتی) به قلم رضا نجف بیگی و همکاران؛ ایشان با توجه به اینکه اشاره اجمالی به سخنان رهبر فرزانه در این زمینه می‌کنند، بخش عمده مقاله را به تعریف و تبیین واژه اعتماد، اختصاص دادند.

اما آنچه پژوهش بنده را از دیگر کارها متمایز می‌کند بررسی آیات و شرح و تبیین و تحلیل نامه امام علی (ع) و اشاره به سخنان رهبر فرزانه در زمینه راهکارهای اعتماد مردم به دولتها می‌باشد.

۱. مفهوم شناسی

در این قسمت، مفاهیم واژه‌های اعتماد و دولت، بیان می‌شود.

۱-۱. اعتماد

واژه اعتماد در لغت از ریشه «عَمَدَ» به معنای ستون، قراردادن چیزی یا امری است. که بتواند تکیه گاه محکم و استواری باشد. (صفی پور، ۱۳۸۸: ۳۲۳) سپردن وا گذاشتن کار به کسی و سپردن چیزی را به کسی، اعتماد می‌گویند. (معین، ذیل واژه عمد، بی تا). در آموزه‌های قرآن، واژه‌ی «اعتماد» به کار نرفته است، اما با واژگان و تعبیر دیگری به این حقیقت اشاره شده که شامل: اطمینان، ثقه، و صداقت و... است؛ زیرا باوفا به عهد و صداقت و راستی در سایه مؤدت و رحمت و دوستی می‌توان؛

پایه‌های ارتباط اجتماعی را استوار و محکم کرد تا هیچ گونه خللی در آن راه نیابد و دیوار اعتماد فرو نریزد. (راغب اصفهانی، ج ۱، ۱۳۶۲:۸۸۲).

۱-۲. دولت

واژه دولت: در اصطلاح عربی، جدید آن «حکومه» و «حکم» می‌باشد. (جعفریان، ۱۳۷۷: ۵۳). واژه‌های دولت و حکومت در کاربردهای گذشته و حال خود در معانی متعددی به کار رفته‌اند که در برخی از آنها این واژه مترادف با هم می‌باشند. دولت؛ در اصطلاح مدرن آن عبارت است از: اجتماع انسان‌هایی که در سرزمین خاصی ساکن‌اند و دارای حکومتی هستند که بر آنها اعمال حکومت می‌شود. طبق این تعریف؛ دولت مجموعه‌ای است که از چهار عنصر: جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت ترکیب یافته است. بنابراین تعریف حکومت مترادف با دولت نیست، بلکه بخشی از آن است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۹۲).

اگرچه در قرآن واژه‌ی "دولت" به معنی مصطلح امروزی نیامده، ولی اموری بیان شده که بدون وجود دولت امکان عمل کردن به آنها وجود ندارد.

بنابراین حکومت و دولت به مجموعه‌ای متشکل از برنامه و مجریانی گفته می‌شود که امور جامعه را سامان دهی می‌کنند. البته نکته بسیار مهمی که نباید از آن غافل شد، این است که دولت و حکومت متناسب با جامعه خود همگام باشند.

۲. راهکارهای ارتقاء اعتماد مردم به دولت

"اعتماد" یک عامل حیاتی و ضروری برای موفقیت‌های فردی، سازمانی و اجتماعی است. (مقاله، رضا نجف بیگی و همکاران، ۱۳۹۵) و به مثابه‌ی منبع اصلی تولید قدرت نرم و مؤثر در ضریب نفوذ قدرت سخت ارزیابی می‌شود.

کاهش اعتماد مردم به دولت و نهادهای دولتی از بحران‌های جهان امروز است. یکی از اساسی‌ترین چالش‌های فراروی مدیریت دولتی چگونگی حفظ و ارتقاء اعتماد مردم نسبت به سازمان‌های دولتی است. از این بین می‌توان به راهکارهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اشاره کرد.

۱-۲. راهکارهای فرهنگی ارتقا مردم به دولت

وجود حس اعتماد بین دولت و ملت، موجب بروز همدلی و هم‌افزایی بیشتر بین این دو می‌شود و امری ضروری برای عبور دادن هر کشوری از بحران‌ها است. در کشور ما عوامل متعددی باعث بروز حس بی‌اعتمادی از جانب مردم نسبت به مسئولین شده است؛ از جمله به موارد زیر اشاره می‌شود.

۱-۱-۲. شایستگی رفتاری

با تفکر در اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی اسلام و جست‌وجو در آموزه‌های تعالی‌بخش آن می‌توان جایگاه شایسته‌سالاری را پیدا کرد. عدالت به مثابه‌ی اساسی‌ترین اصل دینی، همان شایسته‌سالاری است؛ زیرا با تحقق عدالت اسلامی و اصل استقرار هر چیزی در جایی که متعلق به اوست تحقق می‌یابد.

سنت‌الهی چنین است؛ که خداوند به هیچ‌کس جز براساس شایستگی و اهلیت‌های لازم مسئولیتی نمی‌دهد. خداوند می‌فرماید:

«أَنْتِ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنْتَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۲۴)

(من تو را پیشوا و رهبر مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: از دودمان من نیز پیشوایانی قرار ده. فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد).

تنها آن دسته از فرزندان تو که شایسته باشند به پیشوایی خواهند رسید. (عباس‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۳۱۹)

یکی از عواملی که می‌توانست به اهداف حضرت علی (ع) در تحقق جامعه مطلوب خویش کمک نماید، انتخاب کارگزاران شایسته و صالح بود.

ایشان کارگزاران خود را در مسئولیت‌های مختلف سیاسی، نظامی، مالی، اداری، قضایی و... بر اساس شاخصه‌هایی متناسب با سِمَت آنان، انتخاب می‌کرد. علاوه بر معیارهای عمومی و مشترک در جنبه‌های عقیدتی و اخلاق فردی مانند: اعتقاد به اسلام، ایمان، تقوا، حُسن سابقه و این قبیل ویژگی‌ها، معیارها و شاخصه‌های دیگری را در انتخاب کارگزاران رعایت می‌کرد، تا با ایجاد نظام مدیریتی کارآمد و شایسته، امور مردم به بهترین شکل انجام شده و عدالت اجتماعی تحقق یابد. بدین صورت؛ ایشان دین‌داری و تعهد را با فضیلت‌گرایی و شایسته‌سالاری توأم نموده و کوشش کرده تا حکومت دینی، در خدمت مردم را مستقر سازد. (نواقب، ص ۱۳۸۰، ۲۲).

۲-۱-۲. وحدت بخشی

قرآن به مسأله اتحاد از دیدگاه اجتماعی آن نگریده و بر اهمیت اتحاد میان جهانیان، ادیان، مسلمانان و نهاد خانواده تأکید کرده است و پیوند میان دل‌های مؤمنان را نوعی تصرف الهی می‌شمارد و برای ایجاد و حفظ چنین یگانگی، مبعوث پیامبران به همراه شرایع را ضروری می‌داند.

"شهادت مطهری" در دسته‌بندی عوامل اصلی حق تعالی و انحطاط جوامع از وحدت و تفرقه به‌عنوان یکی از عوامل اساسی مؤثر در اعتلاء و انحطاط یاد کرده می‌فرماید: در قرآن کریم به چند عامل مؤثر در اعتلاها و انحطاطها برمی‌خوریم، اتحاد و تفرقه، در سوره آل عمران آیه ۱۰۳ دستور صریح می‌دهد که بر مبنای ایمان و گرایش به ریسمان الهی متحد و متفق باشید و از تفرقه و تشتت بپرهیزید. (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۲۳۶).

حکومت از دید امام علی (علیه السلام) نقش مستقیم و مؤثری در وحدت و یکپارچگی امت دارد، در خطبه ۱۴۶ می‌فرماید:

نقش زمامدار نسبت به ملت، مانند رشته‌ای است که مهره‌ها را گرد هم آورده و به یکدیگر پیوند می‌دهد. اگر رشته‌ای بگسلد، دانه‌ها از هم می‌پاشد و به تمامی دیگر نمی‌توان آنها را گرد هم آورد.

امام علی (علیه السلام) با این تشبیه ساده خاطر نشان می‌سازد، آرمان عالی وحدت امت، بستگی به وجود قیام و سرپرستی دارد، که به دور از اختلاف نظرها و جدای از عوامل تفرقه و تبعیض، امت را در یک محور بنیادین گردآورده و متشکل سازد و از تشتت و تفرقه، که سبب آسیب‌پذیری است، مصونیت دهد. (مکارم شیرازی، ج ۵، ۱۳۸۶: ۶۵۹). طبیعی است، چنین توفیقی برای هر زمامدار حاصل نمی‌آید، بلکه زمامداری صالح باید، تا با توجه به رمز وحدت و با اهتمام به پر کردن شکافها و در هم ریختن دیوارهای تبعیض، جاده اتحاد و همبستگی امت را در پرتو مکتب توحید هموار سازد. (رهبر، ۱۳۶۴: ۴۸).

یکی از ضرورت‌های کلیدی و از ارکان اصلی مدیریت جامعه، در شرایط کنونی پاسخگویی است و می‌تواند برای بهبود عدالت، برابری مورد استفاده قرار گیرد. (جابر انصاری و همکاران، ۱۳۸۵: ۴).

تاریخ مردم ما نشان می‌دهد که در شرایط طبیعی هیچ درگیری و تنش بین قومیت‌ها، نژادها و فرهنگ‌های مختلف وجود نداشته است و همواره مردم در صلح و آرامش به سر برده‌اند. لذا در شرایط طبیعی مردم وظیفه خود را در برقراری روابط مسالمت‌آمیز با دیگر اقوام می‌دانند. آنچه مهم شمرده می‌شود، مدیریت مسئولان و روشن‌فکران است. از این رو باید به منظور

آگاهی مسئولان کوشش کرد. در این زمان بیش از آنکه مردم رسالتی داشته باشند، مدیران و مسئولان رسالت دارند و دشواری کار بر دوش روشنفکران می‌باشد. عدم وحدت و همبستگی بین دولت مردان عدم اعتماد عمومی را در پی خواهد داشت. (عیوضی، ۱۳۸۶: ۶۳).

یکی از مشکلات بزرگ و اساسی جامعه و نظام ما در همین جا نهفته است، که متأسفانه اصل اساسی اسلام (اصل اتحاد) در جامعه ما به فراموشی سپرده شده و جای خود را به خصومت، تحریک حساسیت‌های سیاسی و قومی و ایجاد خصومت، خشونت، نفرت و غلظت داده است. نوشته‌ها، گویش‌ها، جناح‌بندی‌ها، موضع‌گیری‌ها و به‌ویژه سیاست‌های داخلی و خارجی ما لبریز از تندى و افراط و تفریط و آن‌هم در جهت بر هم زدن وحدت ما بین خانواده انقلاب می‌باشد.

۳-۱-۲. تواضع

در قرآن واژه "تواضع" نیامده است، ولی خداوند، با تعبیرهای لطیف دیگری مردمان را به این فضیلت فراخوانده است. واژه تواضع در قرآن مانند: (خفص، جناح):

«وَ اَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ». (شعرا: ۲۱۵)

(و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر).

دولتمردان باید در برابر همه بخصوص در مقابل مستضعفان و مستمندان افتادگی و فروتنی نمایند و به آنان که دستشان از مال دنیا تهی است مهر و عطوفت نمایند. (پوریوسف، ج ۲، ۱۳۸۳: ۵۴). همچنین درمقابل به پیامبراکرم □ درسوره حجر آیه ۸۸ هشدار می‌دهد؛ که مبادا در برابر ثروتمندان متنعم و به خاطر دارا بودن و برخوردارى از نعمت‌های مادی؛ فروتنی کنی هرگز چشم خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آنان دادیم میفکن و به خاطر آنچه آنان دارند غمگین مباش؛ بال و پر خویش را برای مؤمنان بگستر.

واضح است که فرمان به فروتنی در برابر مردم بویژه مستضعفان و کوخ‌نشینان منحصر به شخص پیامبر (ص) نیست، بلکه هر کسی که در شعاع وسیع یا محدود وظیفه خطیر رهبری را بر دوش دارد، این اصل را که از اساسی‌ترین اصول مدیریت صحیح است، را باید به کار ببندند؛ چرا که سرمایه بزرگ یک رهبر محبت و پیوند عاطفی پیروانش با اوست و این بدون تواضع حاصل نمی‌شود. همیشه خشونت و تکبر رهبران عامل مهم پراکندگی مردم از گرد آن‌ها بوده و هست.

بنابراین اگر زمامدار تواضع نکند و با ابهت و کبر و غرور در بالای مجلس بنشیند، ضعیفان و نیازمندان جرأت نمی‌کنند که با صراحت مشکل خود را مطرح کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۵۳).

امام علی (علیه السلام) در عهدنامه مالک اشتر چنین می‌فرماید:

«وَتَجَلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا، فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ...»

در مجلسی عمومی بنشین و در آن مجلس برابر خدایی که تو را آفرید فروتن باش و سپاهیان و یاران که نگهبانان و پاسبان تو هستند؛ از آنان بازدار تا سخنگوی مردم بدون لکنت زبان با تو گفتگو کند.

یکی از توجه‌ها رهبر انقلاب توجه به تفاوت آثار آفات اخلاقی؛ همچون: تکبر و خودبرتربینی در دو سطح عمومی و زمامداران است. که در اولی صرفاً مانع رشد فردی است. ولیکن دومی باعث سست شدن پایه‌های عدالت و نقص آن در جامعه است. (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۴۲۱).

۴-۱-۲. مشورت

مشورت کردن، اصلی عقلایی و رایج در میان همه دانایان و عقلای عالم است. اهمیت و نقش مشورت در مسایل مختلف، بویژه مسایل مهم و پیچیده اجتماعی که افراد، به تنهایی، از شناخت همه زوایای مسأله ناتوان اند، بی‌نیاز از توضیح است. در قرآن کریم، یکی از اوصاف مؤمنان، "مشورت با هم" برشمرده شده است. بنابراین، حُسن مشورت و لزوم آن در مسائلی که انسان به تنهایی از تصمیم‌گیری در باره آن‌ها عاجز و ناتوان است، روشن بوده و نیازی به اقامه دلیل و برهان ندارد. بدیهی است که مشورت کردن پیامبر (ص) با اصحاب، نوعی شخصیت دادن به آنان و ایجاد الفت بیشتر میان آنان و پیامبر (ص) بوده است. با توجه به مقام شامخ آن حضرت و ارتباط با وحی، مشورت با اصحاب، نشانه اهمیتی بود که حضرت برای اطرافیان خود قایل بود و این امر، از چشم یاران پنهان نبود. امام علی (علیه السلام) نیز در سیره و رفتار ایشان مشورت حضوری جدی دارد. آن بزرگوار، در انتخاب کارگزاران و دیگر مسایل سیاسی به رایزنی می‌پرداخت و گاه به صراحت از آنان طلب مشورت می‌کرد. از باب نمونه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر در نامه ۵۳ دستور می‌دهد:

«بخیل را در مشورت کردن دخالت نده، که تو را از نیکوکاری باز می‌دارد، و از تنگدستی می‌ترساند. ترسو را در مشورت کردن دخالت نده، که در انجام کارها روحیه تو را سست می‌کند. حریص را در مشورت کردن دخالت نده، که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد. همانا بخل و ترس و حرص، غرایز گوناگونی هستند؛ که ریشه آنها بدگمانی به خدای بزرگ است، طبعاً اگر بر پیامبر و جانشینان معصوم او، مشورت برای رسیدن به چنین هدفی واجب باشد». بر حاکمان اسلامی غیرمعصوم، به طریق اولی، واجب خواهد بود؛ زیرا، آنان، گذشته از اینکه از علم و عصمت پیشوایان معصوم بی‌بهره‌اند، به جلب اعتماد مردم و جلوگیری از پراکنده شدن آنان محتاج‌ترند. پس، هر جا چنین حکمتی اقتضا کرد، حاکم اسلامی، وظیفه دارد از آنان نظرخواهی کند.

رهبرانقلاب در دیدار با رئیس‌جمهور در شهریور ۱۳۹۷ ش. فرمودند:

«در آن مورد جلسات سه‌قوه بایستی یک هماهنگی خوبی بشود؛ جنگ، فرمانده می‌خواهد، البته فرمانده شور ستادی می‌کند، یعنی هیچ‌وقت هیچ فرمانده‌ای نیست که بدون شور ستادی همین‌طور بگوید «آقا برویم» و دنبالش راه بیفتند؛ نه! بالاخره ستاد دارند، می‌نشینند بحث می‌کنند، شور ستادی می‌کنند و کار می‌کنند».

هر چه تلاش و موفقیت سازمان‌های دولتی در موارد یاد شده بیشتر باشد، انتظار می‌رود تصویر ذهنی مردم از دولت مثبت‌تر و در نتیجه اعتماد به این سازمان بیشتر شود. افزایش اعتماد استحکام نظام و حکومت را در پی خواهد داشت.

۵-۱-۲. خشوع

در سوره حدید آیه ۱۶ خشوع به قلب انسان نسبت داده شده، می‌فرماید:

«آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند، وقت آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد و حقیقتی که نازل شده، نرم گردد».

و گاه چشم انسان به آن توصیف شده، مانند:

«خَشَعَةً أَبْصَرُهُمْ». (قلم: ۴۳)

(چشم‌هایشان به زیر افتاده).

بنابراین، از نظر قرآن، خشوع، شامل فروتنی ظاهری و باطنی است. معنای خشوع و فروتنی مسئولین جامعه در مقابل قانون چنین است؛ که در صورت بروز تخلف از سوی خویش و خویشاوندان، بی‌درنگ آماده عقوبت شوند و در اجرای حکم از سوی نظام اسلامی، هیچ امتیاز و برتری را نخواهند.

رهبرانقلاب در خطاب به مسئولین نظام در بیانهای فرمودند:

«تلاوت قرآن، توجه به معارف و معانی قرآن، احساس وظیفه‌ی شکر در مقابل پروردگار، خضوع در مقابل خدای متعال، خشوع قلب، خشوع در مقابل ملت و تواضع، معیارها و ملاک‌های کارهای من و شماست. باید اینها را رعایت کنیم. این، یعنی در میدان بودن ما، یعنی کار کردن برای خدا، هوای نفس را در آن دخالت ندادن و خسته نشدن؛ که البته اگر برای خدا باشد، انسان احساس خستگی هم نمی‌کند». (بیانات آیت الله خامنه‌ای: ۱۳۸۵).

۶-۱-۲. تیزهوشی و داشتن حافظه‌ای قوی

امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه حکمت ۴۸ می‌فرماید:

«الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ، وَ الْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ...»

(پیروزی در دوراندیشی، و دوراندیشی در به کارگیری صحیح اندیشه است).

امام علی (علیه السلام) به نزدیکترین وسیله پیروزی یعنی دوراندیشی، اشاره فرموده است. همچنین به حدّ وسط آن که به کار انداختن فکر و اندیشه، از آن جهت که اگر فکر به کار نیفتد ممکن است؛ کاری که پیش از رخداد انجام می‌گیرد، با آنها هماهنگی نداشته باشد و در نتیجه دوراندیشی به عمل نیامده است. اما این که دوراندیشی باعث پیروزی است امری واضح است. (ابن میثم، ۱۳۷۵: ۴۲۱).

مدیر و مسئول باید دارای حافظه قوی و ذهنی توانمند باشد، تا پرداختن به یک مسأله او را از سایر مسایل غافل نکند و پیچیدگی و حجم کارها، او را به فراموشی و اشتباه نیندازد.

امام علی (علیه السلام) در نامه‌ی ۵۳ به مالک اشتر چنین فرموده است:

«کسی را برگزین که در رساندن نامه کارگزاران تو به تو یا رساندن پاسخ‌های تو به آنان کوتاهی نکند و در آنچه برای تو می‌ستاند یا از طرف تو به آنان تحویل می‌دهد، فراموشکار نباشد».

کارگزاران جامعه اسلامی باید مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای و داشتن زیرکی و درایت برای احراز پست‌های مدیریتی داشته باشند. اگر در انتخاب مدیران به نحو احسن دقت شود و کسانی که از هر لحاظ شایستگی دینی و اخلاقی، ویژگی‌های مثبت فردی را دارا باشند به منصب مدیریت بنشانند، تردیدی نیست که اعضای زیر مجموعه آن سازمان برای اجرای قوانین و مقررات در جهت رسیدن به اهداف سازمان و جلوگیری از فساد، ظلم و ستم به دیگران تلاش خود را می‌نمایند و بی‌شک مشکلات ناشی از کم‌کاری و مسامحه به صورت چشمگیری کاهش خواهد یافت؛ و فرد مراقب اعمال خویش خواهد بود و خود را ملزم به همکاری و اطاعت دانسته و به‌خصوص اگر افراد سازمان عملکرد او را مشاهده کنند که مدیر آنان از شایسته‌ترین انتخاب شده، با این وجود خود را در خدمت مردم و افراد قرار می‌دهد، آنان نیز با تمام توان خود در همه‌ی جهات؛ کار و کوشش و همکاری از مدیر دریغ نمی‌کنند.

۷-۱-۲. دعا برای موفقیت، جهت انجام مسؤلیت

خداوند در قرآن سوره بقره آیه ۱۸۶ می‌فرماید:

«و هرگاه بندگانم درباره من از تو پرسیدند، پس بدانان من نزدیکم و پاسخ دعاکننده‌ای که مرا می‌خواند می‌دهم). موضوع مهم در باب دعا، گسترده آن است، زیرا هرچه قلمرو نفوذ و دامنه وجود این عنصر ارزشی در بین موجودات وسیعتر باشد، بر میزان اصالت و شرافت آن نیز افزوده می‌شود. در حکومت دینی کسانی که امور این ملت در دستشان است. اگر فکر کنند که بدون اتصال به منبع لایزال الهی می‌توانند، موفق شوند، فکرشان واهی و چه بسا از غرور و خود برتربینی نشأت می‌گیرد.

نگاهی اجمالی به سیره پیامبر (ص) و فرزندان گرامی آن بزرگوار، می‌رساند که آنان تا چه اندازه، دعا را پر عظمت و سازنده می‌دانستند. روزی پیامبر (ص) به اصحاب خود فرمود:

«آیا شما را به سلاحی راهنمایی کنم که از دشمنانتان رهایی می‌دهد و روزی‌تان را فراوان می‌سازد؟ عرض کردند: آری، فرمود: پروردگارتان را در شب و روز بخوانید، زیرا سلاح مؤمن دعاست».

در نهج البلاغه نامه ۵۳ آمده است:

«فَإِذَا نَادَيْتَهُ سَمِعَ نِدَاكَ وَإِذَا نَاجَيْتَهُ عَلِمَ نَجْوَاكَ...»

(پس آن گاه که صدایش کنی نوای تو را می‌شنود، وقتی که با او نجوا نمایی، سخنانت را می‌داند، حاجات خود را به سوی او می‌بری، خودت را آنطور که هستی به پیشگاهش عرضه می‌کنی، و هرگاه علاقه‌مند شدی با او درد و دل می‌نمایی و تمامی مشکلات و ناراحتی‌هایت را گزارش می‌دهی).

"دیل کارنگی" در کتاب آیین زندگی می‌نویسد:

«هنگامی که کارهای سنگین قوای ما را از بین می‌برد و اندوه، هر نوع اراده‌ای را از ما سلب می‌کند، و بیشتر اوقات که درهای امید به روی ما بسته می‌شود، به سوی خدا روی می‌آوریم!»

با توجه به آنچه آورده شده، می‌توان گفت: "دعا و تلاش" دو بال هستند؛ برای پرواز انسان به سمت کمال و کامیابی دین و دنیا و این دو، هماهنگ و همدوش وسیله‌ی رسیدن انسان به تعالی و ترقی است؛ لذا کارگزاران و مدیران که مسئولیت خطیر خدمت به مردم را برعهده دارند، بی‌نیاز از این مقوله نیستند.

۸-۱-۲. تداوم در برگزاری جلسات با علماء و اندیشمندان

در اهمیت علم، طبق صریح آیات قرآن مجید، «چیزی که سبب فضیلت آدم بر فرشتگان شد و مسجود آنها گردید علمی بود که خداوند به آدم بر اثر استعدادش داد».

و نیز اینکه خداوند در قرآن نام "دانشمندان" را پس از نام خود و فرشتگان آورده می‌فرماید:

«شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ». (آل عمران: ۱۸)

یکی از راه‌های پرورش عقل، فراگیری دانش‌های گوناگون است: عقل غریزه‌ای است که به وسیله علم و تجربه رشد پیدا می‌کند. (تمیمی‌آمدی، ج ۲، ۱۳۶۶: ۳۲).

علم و دانش مقدمه عمل است. و انسان برای تشخیص درست از نادرست و انجام کارهای پسندیده به آن نیاز دارد. برای نمونه امام علی (علیه السلام) به یکی از کارگزاران خود "کمیل" می‌فرماید:

(ای کمیل، هیچ حرکتی نیست مگر اینکه تو در آن نیاز به شناخت داری. سرمایه علمی و عملی خود را جز از ما مگیر تا از ما باشی). (حرانی، ۱۳۸۲: ۱۶۵).

از فراز یاد شده برمی آید که کارگزاران حکومتی در همه‌ی کارهای خود، چه حکومتی و چه غیرحکومتی؛ نیاز به شناخت و آگاهی دارند. تحقق اهداف حکومت دینی، اجرای شریعت، برخورد با دشمنان همه و... نیاز به دانش و آگاهی‌های گوناگون دارد.

مقصود امام علی (علیه السلام) از فرازهای ذکر شده؛ تنها همنشینی و گفت‌وگوی صرف نیست، بلکه بهره‌گیری از آنان در مدیریت و تحقق اهداف حکومت دینی است و از این روی، گفت‌وگوی با آنها سبب آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانون دانسته شده است.

شأن علم اقتدار است. هر کس این قدرت را به چنگ آورد می‌تواند، تحکم کند. می‌تواند جرأت غلبه پیدا کند. هر کسی این اقتدار را به دست نیاورد، دیگران بر او قهر و غلبه می‌کند و به او تحکم می‌کند و هرکس علم داشت می‌تواند بر دیگران تحکم کند.

بنابراین رهبر انقلاب معتقد است: عقب ماندگی علمی همراه خود عقب ماندگی اقتصادی، فرهنگی، نظامی و بقیه عقب ماندگی‌ها را هم به دنبال می‌آورد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۵: ۶۷۰).

۹-۱-۲. قدردانی و حس تشکر

در موارد متعدد قرآن کریم، از خداوند به عنوان «شکور و شاکر» یاد شده است، از جمله:

«وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۱۵۸)

(کسی که فرمان خدا را، در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند (در برابر عمل او) شکرگزار و داناست).

یعنی: انسان‌هایی که کارهای نیک انجام می‌دهند، خداوند از آنان تشکر می‌کند و با نیکی و دادن پاداش به آنان، تشکر خود را عملاً آشکار می‌سازد.

بنابراین، تشکر و قدردانی از انسان‌های شایسته و خدمت‌گزار، از خصلت‌های خدا و یک ارزش بسیار مهم است. آنان که دارای چنین روحیه‌ای هستند، مظهر یکی از خصال خداوند بزرگ می‌باشند. (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۸۶). در روایات اسلامی، تشکر از مردم در برابر خدمات و نیکی‌هایشان، به عنوان تشکر از خدا به حساب آمده است. امام رضا (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

«مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ» (حر عاملی، ج ۶، ۱۳۶۷: ۳۱۵)

(هر که در قبال خوبی مردم تشکر نکند، از خداوند عز و جل هم تشکر نکرده است).

از لغزش‌های نظام و حاکم اسلامی، بی‌تفاوتی درباره‌ی ارزش‌ها، لیاقت‌ها، تلاش‌ها، ضعف‌ها و کم‌کاری‌هاست. تشویق افراد لایق و تنبیه نالایقان زمینه ساز استیلای افراد صالح و شایسته شده و نیروهای ضعیف و ناکارآمد را به انزوا می‌کشد. روحیه تشویق و تنبیه حاکم اسلامی موجب می‌شود تا مردم در عرصه فعالیت خود رقابت کرده و دست به ابتکار بزنند. اگر تلاش و کوشش مردم از جانب حکومت نادیده گرفته شود، کم‌کم مردم از همکاری‌شان خالی می‌کنند و این خود باعث فساد در جامعه خواهد شد.

۲-۱. اقتصادی

در دنیای امروز که ابزار تولید و توزیع پیشرفت کرده، روابط اقتصادی به شدت پیچیده شده است و هر کشوری برای بهبود وضع اقتصادی خود تلاش می‌کند، به طوری که هر روز عرصه را برای رقیبان خود تنگ‌تر می‌سازد و اهمیت این امر وقتی مشخص می‌شود که تأثیرهای اقتصادی را بر سیاست و فرهنگ مشاهده می‌کنیم. عملکرد اقتصادی از مواردی است که کاملاً با موضوع اعتماد مردم به دولت مرتبط است. تحقیقات فساد را به عنوان یک بالی حتمی برای کشورها بیان کرده و پژوهشگران وجود فساد در دولت‌ها را به ویژه در باز توزیع منابع اقتصادی امری اجتناب ناپذیر می‌دانند. (رضا نجف بیگی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰). در جامعه جهانی امروز، کشوری که اقتصاد آن ضعیف باشد، ناچار در مواردی مجبور است زیر بار تهاجم و سلطه‌ی سیاسی و فرهنگی صاحبان قدرت اقتصادی جهان باشد.

۲-۲-۱. اجرای عدالت اجتماعی

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید: ۲۵).

و همچنین در جایی دیگر می‌فرمایند:

«كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷)

(تا این اموال عظیم در میان ثروتمندان شما دست! به دست نگردهد).

امام علی (علیه السلام) نیز در این باره در نامه ۵۳ به فرماندار خود می‌فرماید:

«ایاک والاستثمار بما الناس فيه أسوة»

(در چیزهایی که مردم در آنها برابرند از ویژه‌سازی و انحصارطلبی پرهیز کن).

آن گاه حضرت در مورد اطرافیان فرصت‌طلب زمامداران می‌نویسند:

«بدان! برای زمامدار، خاصان و صاحبان اسراری است که انحصارطلب و دست‌درازند، در داد و ستد با مردم عدالت و انصاف را رعایت نمی‌کنند، ریشه ستم آنان را با قطع وسایل آن از بیخ برکن، به هیچ یک از اطرافیان و بستگان خود، زمینی از اراضی مسلمانان واگذار مکن، باید طمع نکنند، تا قراردادی به سود آنان منعقدسازی که مایه ضرر بسیار مردم باشد، خواه در آبرسانی یا هر عمل مشترک دیگر، به طوری که هزینه‌های آن را بر دوش دیگران تحمیل کنند.»

بنابراین، برطبق آیات و روایات، "عدالت" بنیادی‌ترین رکن جامعه است و حاکم اسلامی و از دیدگاه شیعه امام عادل باید مجری آن باشد. (جمالی، ۱۳۷۸، ص ۸۴). از مصادیق بارز ظلم می‌توان به خونریزی و کشتار مردم اشاره نمود.

در مجموع باید گفت: عدالت و ظلم عناوینی عام هستند که ممکن است. در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و قضایی متجلی شوند. حق و باطل چهره‌ای دیگر از مسأله عدل و ظلم است.

لذا باید در باره عدالت علوی بیشتر از این‌ها تدبّر کنیم، زیرا ارزش یک حکومت، به اقامه عدل است. امام علی (علیه‌السلام) نسخه کامل اسلام است و حکومت وی، یک حکومت صد درصد اسلامی است. امروزه عدالت باید واقعیتش را در جامعه نشان دهد و کسی حق ندارد بگوید: «چون ما نمی‌توانیم مثل امام علی (علیه‌السلام) عمل کنیم، پس تکلیفی نداریم.» نه! بین آنچه

ما می‌توانیم عمل کنیم و آنچه امام علی (علیه السلام) بود، مراتب بسیاری فاصله است. ما هر چه می‌توانیم باید این مراتب را طی کنیم و پیش برویم و مسئولان باید با اجرای عدالت، جاذبه اسلام را مضاعف کنند. عدم عدالت در جامعه از طرف کارگزاران باعث می‌شود که اعتماد مردم به مسئولین خدشه‌دار شود. در نتیجه از قبول مسئولیت سرباز زنند که این خود منجر به هرج و مرج و بی‌نظمی در جامعه می‌شود.

۲-۲-۲. امانت داری در بیت‌المال

در قرآن صفت امانت‌داری به عنوان یکی از صفات برجسته مؤمنان واقعی آورده شده و می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون: ۸)

(و آن‌ها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند).

یکی از مصادیق امانت‌داری از دیدگاه امام علی (علیه السلام) امانت الهی است، که فلسفه وجودی آن برای اجرای قوانین الهی، برقراری عدالت، احقاق حق محرومان است؛ چنان که آن حضرت در خطبه ۱۳۱ فرمودند:

«خدایا تو می‌دانی آنچه از ما در گرفتن زمام حکومت به دست، واقع شد. به خاطر رغبت در امر حکومت و سلطنت نبود، و نه برای به دست آوردن متاع دنیا، هدف این بود که تعالیم دینت را زنده کنیم و بلاد تو را اصلاح نماییم، تا بندگان مظلوم تو احساس امنیت کنند و حدود و قوانین تو را برپا سازیم.»

ایشان در نامه ۴۲ خطاب به حاکم بحرین که از حکومت به عنوان امانت الهی بهره گرفته بود فرمود:

«فَلَقَدْ أَحْسَنْتَ الْوَالِيَةَ وَادَيْتَ الْإِمَانَةَ»

(پس همانا به خوبی از عهده حکومت برآمده‌ای و امانت خود را ادا کرده‌ای).

با در کنار هم قراردادن آیات قرآنی با کلام امام علی (علیه السلام) به این باور خواهیم رسید که: کارگزاران حکومت اسلامی امانت‌دار این امانت الهی هستند که باید امین باشند. مصادیق مهم امانت‌داری آن است که کارگزاران اسلامی، از حکومت به عنوان وسیله و ابزار برای اجرا و احیای قوانین الهی استفاده کنند؛ و مهمتر از همه کارگزاران امانت دارند که باید امانت الهی را حفظ کرده و امین باشند. بی‌تردید در پرتو اجرای قوانین الهی است که محرومان به حق خود رسیده و شجره خبیثه ظلم از جامعه ریشه‌کن شده و درخت عدالت به بار می‌نشیند و در سایه اجرای قوانین الهی است که جوامع اسلامی به سوی قانون‌گرایی و قانون‌مندی هدایت شده، ضوابط جایگزین روابط خواهد شد.

نکته بسیار مهم در امور اقتصادی پشتیبانی و حمایت مردمی است. اگر کارگزاران از این اعتماد برخوردار نباشند، نمی‌توانند به اجرای برنامه‌های خود بپردازند. این مردم‌اند که به مشروعیت حاکم، مقبولیت می‌بخشند. شخصی که وظیفه نگارش اموال ورودی به بیت‌المال را دارد، بازرسان و ناظرانی که برای ارزیابی و اطلاع از میزان درآمد افراد اعزام می‌شوند و سایر رده‌های مسئول در حفظ و صیانت بیت‌المال، اگر قوانین منظم نداشته و در اجرا دقت نکنند، پیرامون مسئله را نسنجند و نتوانند با انضباط اداری حقوق مردم را ایفا کنند، قطعاً با شکست مواجه شده و این ناکارآمدی باعث از بین رفتن اعتماد مردم به نظام و تضعیف حکومت خواهد شد.

۲-۲-۳. رسیدگی به اوضاع تجار و صنعتگران

خدا در قرآن به مؤمنان هشدار می‌دهد که فساد اقتصادی در هر شکلی می‌تواند اجتماع انسانی را به تباهی بکشاند و نه تنها مشروعیت سیاسی را از میان بردارد، بلکه روابط اجتماعی میان افراد یک اجتماع مختل شود. (طیب، ۱۳۷۸: ذیل آیه ۸۵، سوره هود).

"عبدالله بن مسعود" می‌گوید: پیامبر (ص) فرمود:

«هیچ کس نیست که برای تجارت طعامی را از شهری به شهر دیگر ببرد و آن را به قیمت خودش بفروشد، مگر این که جایگاهش نزد خداوند چون مقام شهید خواهد بود. (مجلسی، ج ۱۶، ۱۴۰۴: ۲۲). سپس آیه ۲۰ سوره مزمل را تلاوت کرد:

«وَآخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ...»

امام علی (علیه السلام) در قسمتی از عهدنامه خود به حال یکی از تجار و صنعتگران اجتماعی پرداخته و در این زمینه سفارش‌های مهمی به مالک اشتر دارد. نخست می‌فرماید:

«ثُمَّ اسْتَوْصِ بِالْتُّجَّارِ وَ...»

(سپس در باره‌ی تجار و صاحبان صنایع نخست به خودت توصیه کن! که مراقب حفظ و تقویت آنان باشی و نیز دیگران را به خیر و نیکی با آنان سفارش نما).

بر این اساس زمامدار، نخست باید خودش نسبت به این گروه اجتماعی فعال، حساس باشد و سپس اهمیتی آنها را به دیگران گوشزد نماید. این احتمال نیز در جمله (استوص) هست که هرگاه دیگران نسبت به این گروه سفارش‌های مثبتی کنند، سفارش آنان را بپذیر و جامه عمل به آن ببوشان. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ذیل نامه ۵۳).

آن‌گاه امام علی (علیه السلام) به گروه‌های مختلف تجار و صاحبان صنایع اشاره کرده می‌فرماید:

«الْمُقِيمِ مِنْهُمْ وَالْمُضْطَّرِّبِ بِمَالِهِ وَالْمُتَرَقِّقِ بِبَدَنِهِ...»

(بین بازرگانی که در مراکز تجاری اقامت دارند و یا آنها که سیار و در گردش‌اند و نیز صنعتگران و کارگرانی که با نیروی جسمانی خود به کار می‌پردازند، تفاوت مگذار).

روشن است که تجار دو گروه‌اند: گروهی مرکز ثابت دارند و عده‌ای دائماً اموال تجارتنی را از نقطه‌ای به نقطه دیگر و از آن نقطه به نقطه ثالثی می‌برند و مواد مورد نیاز مردم را به آنها می‌رسانند. سرمایه اصلی صنعتگران نیروی بدنی آنهاست که با آن برای رفع نیازهای مردم تلاش و کوشش می‌کنند. (ابن میثم، ج ۵، ۱۳۷۵: ۲۸۳).

امام صادق (علیه السلام) نیز چنان به تجارت اهمیت می‌داد که ترک آن را موجب نقصان عقل می‌دانست و می‌فرمود:

(خرید و فروش را ترک نکنید، زیرا موجب رشد و شکوفایی عقل می‌گردد). (حرعاملی، ج ۱۶، ۱۳۶۷: ۱۷).

درست است که حکومت نباید امر تجارت و صنعت را به دست گیرد، بلکه بهترین راه آن است که آن را به بخش خصوصی واگذار کند، ولی با این حال نباید جهات حمایتی و هدایتی را از آنها دریغ دارد، زیرا غالباً بدون حمایت و هدایت حکومت به مشکلات زیادی برخورد می‌کنند که دامنه‌ی آن عموم مردم را در برمی‌گیرد. به همین دلیل اقتصاد دانه‌ای آگاه در دنیای امروز به همین امر توصیه می‌کند، که دولت بی آنکه خود تاجر و صنعتگر باشد باید از آنها حمایت کند و در موارد لازم نظارت و هدایت آنها را نیز به عهده بگیرد و این کار نقش مهمی در موفقیت تجارت و صنعت و بالابردن اعتماد مردم نسبت به حکومت را به دنبال خواهد داشت.

۲-۲-۴. پرهیز از رانت خواری

در اشاره به پدیده رانت خواری در قرآن آیه ۱۸۸ سوره بقره آمده است:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

(و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به) عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید، این کار گناه است).

پدیده "رانت خواری" به پیدایش فقر، اشرافیت و انباشت ثروت منجر می‌شود. از این رو، یکی از نتایج زشت رانت‌خواری، چپاول اموال عمومی و پیدایش فقر و اختلاف طبقاتی و فقیرانی که حقوق‌شان را کارگزاران حکومتی به یغما می‌برند. در واقع، از یک طرف عده‌ای را مصرفی، تجمل‌خواه و عیاش بار می‌آورد. و از طرف دیگر، اکثریتی فقیر و نادار پدید می‌آید، که مورد تحقیر و بی‌مهری قرار گرفته و کرامت و شرافت‌شان مخدوش شده است. از کمترین پیامدهای چنین پدیده‌ای، رشد فساد در دورن جامعه و احترام نگذاشتن به حقوق همدیگر و بی‌اعتمادی به کارگزارانی است. که از سیمت دولتی سوءاستفاده کرده و به انباشت ثروت پرداخته‌اند. (حاج یوسفی: ۱۳۷۸).

بنابراین، یکی از روش‌ها و برنامه‌های حکومت علوی، برخورد شدید با تبعیض‌ها، انحصارها و رانت‌خواری‌ها و پایمال کنندگان حقوق عمومی بوده است. چنان که امام علی (علیه السلام) در روز دوم خلافت، سیاست‌های خود را به اطلاع مردم رساند:

«وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتَهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِالنِّسَاءِ وَ مَلَكَ بِهِنَّ الْأِمَاءَ لَرَدَدْتَهُ. فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً، وَ مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجُورُ عَلَيْهِ أَضِيقٌ» (دستی،

نهج البلاغه: ۱۵)

(سوگند به خدا (اگر اموال بخشیده شده، عثمان را بیابم) به مالک آن بازگردانم، اگرچه از آنها زن‌های شوهر داده و کنیزکان خریده شده باشد؛ زیرا در عدل و درستی، وسعت و گشایش است و آنکه عدالت را برنتابد، ستم را سخت‌تر یابد).

رانت و رانت‌خواری و فساد را هر عقل سلیمی نکوهش می‌کند. جامعه‌ای که در آن رانت و رانت‌خواری افزایش رواج داشته باشد آن جامعه دچار نابسامانی‌هایی در ابعاد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی خواهد شد. در نتیجه از عقب‌ماندگی همه جانبه در عرصه‌های مختلف رنج خواهد برد.

در یک اقتصاد رانتهی سرانجام مناسبات حامیان دولت مردم حالت تخصمی و مقابله جویانه به خود گرفته و سبب بی‌اعتمادی مردم به دولت می‌شود. نیروی دولت را کاهش داده و توانایی آن را در اجرای سیاست‌ها به شدت تضعیف می‌کند، گاهی هرج و مرج بروز نارضایتی از دستگاه‌های حاکم به جایی می‌رساند که عوامل سقوط نظام حاکم را به همراه می‌آورد. اعتماد به سیاست‌های دولت در مورد سیستم اقتصادی، در همه بخش‌های اقتصاد کشور تأثیرگذار است. پرواضح است که نبود اعتماد، چرخ اقتصاد را در همه زمینه‌ها معیوب کرده و کارکرد صحیح سیاست‌ها را عقیم می‌کند. وقتی اعتماد بیشتر باشد. آن‌گاه فساد کمتر می‌شود و می‌توان بیشتر به صداقت و کیفیت خدمات مقامات دولتی تکیه کنید.

همچنین در زمان بالا بودن سطح اعتماد، بازار سرمایه هم بهتر کار می‌کند. به طور کلی شکل‌گیری اعتماد در جامعه و سیستم اقتصادی به نحوه‌ی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری دولت بازمی‌گردد. این دولت است که باید با بکارگیری صحیح منابع و استفاده بهینه آن در بخش‌های مختلف اقتصاد؛ روح اعتماد را به کالبد جامعه تزریق کند.

۲-۲. سیاسی

هر نظامی بر اساس هدف‌گذاری اولیه مجموعه‌ای از ایده‌ها، ساختارها و فرآیندهای سیاسی را برای نقشه‌ی نظری و عملی خودش انتخاب می‌کند. تا اهداف و آرمان‌های اولیه که در هنگام تشکیل آن نظام اعلام شده را عملی کند. تأکید رهبر انقلاب مبنی بر اینکه باید برای بازسازی اعتماد مردم تلاش کنید. معرفی راهبرد عقلانی «واقع‌گرایی فعالانه» به دولت سیزدهم است. توجه به ضعف‌ها اگر براساس واقعیات و آرمان‌ها نباشد، موضع منفعلانه ایجاد می‌کند، اما اگر ضعف را بشناسیم و راه‌حل رفع مشکل را هم درست انتخاب کنیم، موضع فعالانه دستگاه عظیم اجرایی را تقویت می‌کند. حل مشکل از مسیر، شناخت علل ضعف و با نگاه به نقطه‌ی آرمانی قطعاً انجام شدنی است. بازسازی اعتماد عمومی بر این اساس در ساز و کاری متشکل از مجموعه‌ای از رفتارها، تصمیمات و عمل‌کرد کارگزاران بر اساس سیاست‌های نظام مند به‌دست می‌آید.

اکنون به بیان چند مورد از راهکارهای سیاسی جهت اعتمادسازی مردم به دولت می‌پردازیم.

۱-۳-۲. داشتن پشتکار و دوری از تنبلی

در قرآن از کسالت و تنبلی به‌خصوص در کارهای نیک و در راه عبادت خدا، به زشتی یاد شده و این صفت از ویژگی‌های "منافقان" برشمرده شده است:

«وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاؤْنَ النَّاسَ» (نسا: ۱۴۲)

(چون به نماز برخیزند بی‌حال و کسل برخیزند و به مردم ریا کنند).

و همچنین «وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى» (توبه: ۵۴)

که هر دو آیه در باره‌ی "منافقان" است.

به نظر می‌رسد که ویژگی تنبلی غالباً نوعی بیماری اکتسابی است که در محیط تربیتی و پیرامونی شکل می‌گیرد و به تدریج از خصوصیات و عادات ثانویه‌ی آدمی می‌گردد. و عزت و بزرگواری را از شخصیت خودمان عاری می‌سازیم. خود و خانواده و جامعه را از رسیدن به کمالات و مقامات معنوی محروم می‌کنیم.

از مصادیق زیرکی و سیاست یک مسؤول، تشخیص زمان انجام هر کاری است. او باید از شتابزدگی و سستی اجتناب نماید. چه در تصمیم‌گیری و چه در اجرای امور؛ یعنی پیش از فراهم شدن اسباب لازم، شتاب نورزد و به هنگام امکان عملی امور فرصت را از دست ندهد. امام علی (علیه السلام) در این زمینه در نامه ۵۳ به مالک اشتر می‌فرماید:

«بپرهیز از کارهایی که وقت انجام دادنشان نرسیده است و از اهمال‌گری در کارهایی که وقت انجام دادنشان فرارسیده است. از لجاجت کردن در اموری که مبهم است و از سستی نمودن در کارها، آن هنگام که راه عمل روشن شده است. پس هر امری را در جای خویش قرار ده و هر کاری را به‌موقع خود به انجام رسان.»

یک کارگزار با سیاست باید عزم و اراده خویش را در کارها و مسئولیت‌هایی که به او واگذار می‌شود، به مرور زمان به محک آزمون درآورد، تا به امید خداوند متعال فردی فعال و شاداب و زرنگ شود و این کار برای کسانی که امور یک امت به آن‌ها واگذار شده مهمتر و چه بسا واجب است.

لذا مقام معظم رهبری معتقدند:

«به هیچ فردی به هیچ ملتی و به هیچ جمعیتی از خزانه غیب الهی هیچ چیز نمی‌دهند؛ مگر با تلاش و کوشش او از نظر ایشان کار متکی به ایمان و امید که همه دردهای یک ملت است. ملت بیکار، ملت تنبل، ملت کسل، ملت ناامید، به جایی نخواهد رسید. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۹).

از جمله سیاست های دولت حضور در میان مردم است که حس امید را زنده می‌کند و با تصمیمات عاقلانه، دوری از تنبلی و تن‌پروری نیروی امیدر برای جلب اعتماد مردم می‌آفریند. امروز برای اعتماد آفرینی نیز به همان عقل انقلابی عزمی آهنین، اراده‌ای قوی و دوری از سستی نیاز داریم.

۲-۳-۲. قاطعیت

چون قرآن شریف، نه نسبت به پدیده‌های اجتماعی تردید و ترس دارد و نه مصلحت‌اندیشی می‌کند. از این جهت در اوج اخلاق و عرفان و ادب قرآنی، در موارد لزوم قاطعانه با پدیده‌های اجتماعی و شخصیت‌ها برخورد می‌کند. به رسول خدا (ص) که در مقام رسالت، از شخصیت حقوقی برخوردار است، هم با قاطعیت تمام در سوره حدید آیه ۴۴ هشدار می‌دهد، می‌فرماید:

«وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقْوَالِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ»

(و اگر برای ما سخنانی می‌بست، دست راستش را می‌گرفتیم، سپس شاهرگش را قطع می‌کردیم).

در نظام علوی، کارگزاران حکومت باید در عین قاطعیت، از رفق و مدارا برخوردار باشند. از دیدگاه امام علی (ع)، خشونت مطلق، آفت مدیریت است. چنانچه نرمش بی‌حساب هم برای اداره امور مردم زیانبار است. مدیریتی موفق است، که بتواند با سیاست، نرمش و قاطعیت را با هم داشته باشد. از این رو، حضرت در نامه ی ۱۹ به یکی از کارگزاران خود این گونه می‌نویسد:

«بزرگان و زراعت پیشگان منطقه تو، از سخت‌گیری، خشونت، تحقیر و ستم تو شکایت کرده‌اند، و من در باره‌ی آنان اندیشیدم، نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتیم؛ چراکه مشرکند و نه سزاوار طرد و ستم؛ چرا که با آنان پیمان بسته‌ایم. پس برای آنان جامه‌ای از مدارا همراه با اندکی سختی ببوش، و رفتاری توأم با نرمی و شدت با آنان داشته باش، نه آنان را بسیار قریب و نزدیک آر، و نه بسیار بعید و دور گردان، اگر خدا بخواهد».

در کلام امام علی (علیه السلام) داشتن سیاست اداره امور به خوبی مشهود است.

رهبر انقلاب در سال ۱۳۸۰ خطاب به دولت مردان می‌فرماید:

ضربه عدالت باید قاطع ولی در عین حال دقیق و ظریف باشد؛ اما در عین حال معتقدند، متهم کردن بی‌گناهان یا معامله یکسان میان خیانت و اشتباه یا یک سان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ جایز نیست. بنابراین نباید مدیران درستکار و سالم و خدمتگزار که بی‌گمان اکثریت کارگزاران در قوای سه‌گانه کشور را تشکیل می‌دهند، مورد سوءظن و در معرض اهانت قرار گیرند و یا احساس ناامنی کنند بلکه سزاوار و نیکوست که تشویق به صالحان و خدمتگزاران در کنار مقابله با فساد و مفسد وظیفه مهم شناخته شود.

لذا از سیاست‌های کلان دولت است که با استفاده از قدرت خود بکوشد، حدود الهی را به حتی اگر مجرم از نزدیکان آنها بود جاری سازد، با قاطعیت وارد میدان شود و از حکم خدا دفاع کند؛ در حقیقت، این عمل به منظور تثبیت حاکمیت دینی، ایجاد فضای اعتماد و امیدوار شدن مردم به حکومت خواهد بود.

نتیجه

دست‌آورد پژوهش فوق چنین است که یک نظام اگر بخواهد هر عملی در خصوص تغییرات ساختاری در جامعه انجام دهد، باید میزان و درجه اعتماد سطح جامعه را افزایش دهد؛ چرا که در فضای نامطمئن و بی‌اعتمادی هرگونه عملی امکان نتیجه عکس دارد و تمایل مشارکت و دخالت مردم در نظام بسیار کم خواهد بود.

بطور کلی وقتی سخن از اعتماد مردم به حکومت به میان می‌آید بدین معناست که عامه مردم انتظار دارند مقامات و کارکنان سازمان‌های دولتی با اقدامات خود در تعامل با عامه به انتظارات آنها پاسخ دهند. به عبارت دیگر انتظار عموم از دریافت مثبت پاسخ به خواسته‌هایشان از طرف متولیان امور است. لذا اعتماد به عنوان مبنایی برای نظام اجتماعی در رشته‌ها و سطوح تحلیلی مختلف راه یافته است.

دولت مردان و کارگزاران حکومتی برای اینکه بتوانند این مهم را محقق سازند، باید بتوانند شرایط را در جامعه طوری رقم بزنند که مردم احساس کنند که حکومت به این امر توجه و اهتمام دارد؛ لذا لازم دارد شرایط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه که شامل: شایستگی رفتاری، وحدت‌بخشی، تواضع، خشوع، تیزهوشی و داشتن حافظه قوی، رسیدگی به وضع تاجر، پرهیز از رانت‌خواری، قاطعیت و داشتن پشتکار و دوری از تنبلی است را در جهت خواسته مردم بهبود بخشد. در این صورت، اعتماد عمومی ایجاد شده و موجب افزایش وحدت، حفظ یکپارچگی و روابط اجتماعی در سیستم‌ها می‌شود. اگر عامه مردم به نهادهای دولتی و افراد منتخب و منصوب دولتی اعتماد نداشته باشند، در اجرای تصمیمات دشوار، بخصوص مواردی که مستلزم ایثار و فداکاری است همکاری نخواهند کرد، اما اعتماد عمومی، مشارکت عموم مردم در فرایندهای سیاسی، کاهش خواهد یافت.

پیشنهادها

این پژوهش می‌تواند ایده‌های مفیدی در این حوزه به دولت مردان ارائه نماید:

۱. تعامل مداوم دولتمردان و اقتصاددانان و عملی کردن نظرات آنان، به طوریکه مردم بتوانند با اتکا به این نظرات کارشناسی و ثبات اقتصادی، آرامش و رفاه را تجربه کنند.
۲. برخورد قاطع و جدی با عوامل فساد در دستگاه‌های دولتی و مجازات سنگین آنان و اطلاع رسانی به مردم.
۳. اتکا بر ضابطه‌گرایی به جای رابطه‌گرایی در تصدی پست‌های دولتی.
۴. پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری دولت در قبال بحرانها و مشکلات مردم به طوری که مردم دولت را از خود بدانند. و اما پژوهشگران می‌توانند با ارائه پژوهشی پربارتر در این زمینه راهکارهایی بسیار مفید ارائه دهند.

منابع و ماخذ

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. آمدی، عبدالواحد، *غررالحکم دارالحکم*، ترجمه جمال الدین خوانساری، ۱۳۶۶، قم، نشر دانشگاه.
۲. ابن میثم، کمال الدین بن میثم، *شرح نهج البلاغه*، ج ۶، ۱۳۷۵، مشهد، نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳. احمد خانی، مسعود، *الگوسازی رفتار مدیران با توجه به نامه‌های حضرت امیر (ع) در نهج البلاغه*، ۱۳۷۹، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۴. بحرانی، ابن میثم، *شرح نهج البلاغه*، ترجمه محمد صادق عارف و دیگران، تهران، ۵ جلد، ۱۳۷۵، نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
۵. پوریوسف، عباس، *خلاصه تفاسیر المیزان و نمونه*، ۱۳۸۳، نشرشاهد، تهران.
۶. جابر انصاری، محمدرضا، مقاله: *راهکارهای ارتقای اعتماد مردم به سازمان‌های دولتی*، ۱۳۹۵، نشریه مطالعات قدرت نرم.
۷. جهان‌بخش، ثواقب، *امام علی (علیه السلام) کارگزاران حکومت و راهکارهای اصلاحات*، ۱۳۸۰، شماره ۲۲، منبع حکومت اسلامی.
۸. جمالی، نصرالله، *عوامل سقوط حکومتها در نهج البلاغه*، ۱۳۷۸، تهران، نشر نهانودی.
۹. جعفریان، رسول، *تاریخ تحول دولت و خلافت*، ۱۳۷۷، قم، نشر دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۱۰. حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، ج ۱، ترجمه صادق حسن زاده، ۱۳۸۲، قم، نشر آل علی.
۱۱. حراملی، محمدبن الحسن، *وسائل الشیعه*، ۱۳۶۷، قم، موسسه آل البيت (ع).
۱۲. حقیقت، محمد صادق، *نقل نقد متون سیاسی*، ۱۳۹۹، بی جا، نشر کویر.
۱۳. حاج یوسفی، امیرمحمد، مقاله: *دولت نفت، و توسعه اقتصادی در ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، دانشنامه ویکی پویا
۱۴. خسروپناه، عبدالحسین، و جمعی از پژوهشگران، *منظومه فکری امام خمینی*، ج ۲، ۱۳۹۵، تهران، نشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۱۵. دلشاد تهرانی، مصطفی، *دولت آفتاب*، اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی (علیه السلام)، تهران، نشرخانه اندیشه جوان.
۱۶. دانایی فرد، حسن، علیرضا حسن زاده، *واکاوی ساز و کارهای کلیدی تقویت اعتماد عمومی به دولت*، ۱۳۹۳.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، ج ۱، ۱۳۶۲، تهران، نشر مرتضوی.
۱۸. رهبر، محمد تقی، *درسهای سیاسی از نهج البلاغه*، ۱۳۶۴، نشر امیرکبیر، تهران.
۱۹. صفی پوری، عبدالرحیم، *منتهی الارب فی لغه العرب*، ۱۳۸۸، تهران، ج ۲، نشر دانشگاه تهران.

۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی، ۱۳۶۴، قم، نشر اسلامیة.
۲۱. طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، ۱۳۷۸، تهران، نشر اسلام، چاپ دوم.
۲۲. عیوضی، محمد رحیم زمانه، ۱۳۸۶ شماره ۶۳، مقاله: *اتحاد و انسجام، زمینه های شکل گیری*.
۲۳. عباس نژاد، محسن، ۱۳۸۸، مقاله، *قرآن و مدیریت علوم سیاسی*، ناشر، موسسه بنیاد پژوهشهای قرآن و حوزه و دانشگاه
۲۴. قربانی، زین العابدین، عوامل همکاری و اعتماد بین مردم و حکومت از دیدگاه نهج البلاغه، ۱۳۵۸، نشر ارشاد، گیلان.
۲۵. کارنگی، دیل، *آین زندگی*، ترجمه: محمود آزین فر، ۱۳۷۸، نشرآرین، تهران.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی، حقوق و سیاست درقرآن، ۱۳۸۰، چاپ پنجم، نشر بین الملل سازمان تبلیغات.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، *برگزیده تفسیر نمونه*، ۱۳۸۶، تهران، نشر دارالکتب اسلامیة.
۲۸. _____، *پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام*، ۱۵ ج، ۱۳۸۷، تهران، نشر دارالکتب اسلامیة.
۲۹. _____، *قران مجید*، ۱۳۹۲، تهران، نشر عابدزاده.
۳۰. مطهری، مرتضی، *جامعه و تاریخ*، ۳ جلد (۱۳۵۸)، تهران، نشر صدرا.
۳۱. معین، محمد، *فرهنگ معین*، ۶ جلد، بی تا، نشر امیرکبیر، چاپ اول.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، سال ۱۴۰۴ ق، نشر موسسه وفا، بیروت.
۳۳. نجف بیگی، رضا و همکاران، مقاله، ۱۳۹۵، *راهکارهای ارتقای اعتماد عمومی به سازمانهای دولتی*.